

L'ordre du jour écrit par : Eric Vuillard

دستور جلسه

بی‌تا هاشمیان نژاد^۱

۱. مقدمه

جنگ جهانی دوم، جنگی فراگیر بین اول سپتامبر ۱۹۳۹ تا دوم سپتامبر ۱۹۴۵ بود. البته درگیری‌های مرتبط با این جنگ از چند سال پیش از آن آغاز شده بود. این جنگ بسیاری از کشورهای جهان از جمله تمامی ابرقدرت‌های روز را درگیر خود کرد تا جایی که دو دسته از کشورهای مختلف با تشکیل اتحادهای نظامی به نام‌های متحدین و متفقین در مقابل یکدیگر صف‌آرایی کردند. این جنگ گسترده‌ترین جنگ جهانی تاریخ بشر بود که در آن بیش از ۱۰۰ میلیون نفر از نزدیک به سی کشور مختلف مستقیم در آن جنگیدند. در طول این جنگ که حالت یک جنگ تمام عیار به خود گرفته بود، کشورهای مختلف تمامی توان اقتصادی، صنعتی و علمی خود را تا حد نبود تفاوت بین منابع نظامی و غیرنظامی در آن صرف جنگ کردند، همچنین این جنگ سبب کشتار جمعی غیرنظامیان و بمباران‌های راهبردی نابودکننده گسترده علیه مقاصد صنعتی و مراکز تمرکز مردم (به مرگ بیش از یک میلیون نفر از جمله در حملات اتمی به دو شهر ژاپنی انجامید) شد. در طول جنگ جهانی دوم بیش از ۷۰ میلیون نفر کشته شدند که این آمار خونین‌ترین درگیری انسان در طول تاریخ بشریت است.

¹ . PhD student in French language Tarbiat Modarres University.
Bita.Hashemiannejad@gmail.com

اگرچه ژاپن از سال ۱۹۳۷ تهاجم به جمهوری چین را آغاز کرد، اما عموماً تاریخ شروع جنگ جهانی دوم را اول سپتامبر سال ۱۹۳۹ می‌دانند که حمله آلمان نازی به نیمه غربی لهستان منجر به اعلام جنگ فرانسه و بریتانیا علیه آلمان شد. آلمان نازی در طول جنگ موفق شد ضمن تشکیل یک اتحاد نظامی با ایتالیا و ژاپن به نام «قوای محور»، بخش عمده‌ای از قاره اروپا را با استفاده از قوه قهریه یا انعقاد پیمان ضمیمه تحت کنترل خود در آورد. آلمان پس از ضمیمه مرکز اروپا، اتریش، چکسلواکی و مجارستان با حمله نظامی اسکاندیناوی در شمال اروپا و فرانسه در غرب اروپا را اشغال کرد و با انگلستان وارد جنگ و محاصره دریایی و هوایی شد. براساس قرارداد مولوتوف-ریبنتروپ اوت ۱۹۳۹ آلمان نازی و شوروی توافق کردند کشورهای اروپای شرقی شامل لهستان، فنلاند، رومانی و کشورهای حوزه دریایی بالتیک را میان خود تقسیم کنند.

این فاجعه تاریخی همواره الهام بخش نویسندگان و تاریخ‌نگاران بوده است. با گذشت بیش از هفت دهه از پایان جنگ جهانی دوم، هنوز نویسندگان زیادی این موضوع را محور اصلی اثر خود قرار می‌دهند. اریک وییارد با رمان دستورجلسه موفق شد ماجراهای جنگ جهانی دوم را به زیبایی و با دیدگاهی نوین شرح دهد. این کتاب جایزه کنگو ادبی ۲۰۱۷ را از آن خود کرد. جایزه کنگو یک جایزه ادبی است و توسط ادmond دو کنگو در سال ۱۸۹۶ بنیان گذاشته شد. مجمع ادبی کنگو به طور رسمی از سال ۱۹۰۲ تأسیس شد و نخستین دوره جایزه در روز ۲۱ دسامبر سال ۱۹۰۲ اعطا شد. این جایزه هر ساله به بهترین کتاب داستانی اهدا می‌شود که همان سال منتشر شده باشد. معمولاً این جایزه به یک رمان اعطا می‌شود. آکادمی کنگو که بیش از صد سال سابقه دارد جایزه اصلی خود را هر سال در ماه نوامبر صدا می‌کند و مهم‌ترین و معتبرترین جایزه ادبی فرانسه به شمار می‌آید. اریک وییارد نویسنده، نمایش‌نامه‌نویس و کارگردان فرانسوی در سال ۱۹۶۸ در شهر لیون فرانسه متولد شد. او نخستین کتابش را با نام «صیاد» سال ۱۹۹۹ منتشر کرد. سپس دو کتاب شعرگونه با نام‌های «جنگل سبز» در سال ۲۰۰۲ و «توهو» در سال ۲۰۰۵ منتشر کرد. او یک رمان حماسی درباره فتح پرو و سقوط امپراطوری اینکاها به نام «فاتحین» در

سال ۲۰۰۹ نوشت که جایزه ایگناتیوس جی ریلی را دریافت کرد. او سال ۲۰۱۲ با کتاب‌های «نبرد غربی» و «کنگو» توانست جایزه فرانسوی-آلمانی فرانث هسل و جایزه و لری لربو را بریابد. رمان بعدی او «اندوه زمان» سال ۲۰۱۵ جایزه ژوزف کسل را دریافت کرد. او جایزه گنکور سال ۲۰۱۷ که از مهم‌ترین جوایز ادبی فرانسه است، را برای رمان «دستورجلسه» از آن خود کرد. هیچ یک از کتاب‌های این نویسنده در ایران ترجمه نشده است؛ بنابراین در ایران شناخته شده نیست.

رمان دستورجلسه در ۲۹ آوریل سال ۲۰۱۷ توسط اکته سود^۱ منتشر شد، یک رمان کوتاه تاریخی با سبک ناب ادبی فرهیخته در ۱۵۰ صفحه و پانزده بخش است. اریک وییارد با رمان دستورجلسه روایتگر ماجراهای مربوط به جنگ جهانی دوم و نازی‌ها است. او سرخ‌های حوادث مربوط به الحاق اتریش به آلمان نازی در سال ۱۹۳۸ و همچنین حمایت علنی صنایع آلمان از ماشین جنگ نازی‌ها را دنبال می‌کند. او شرح می‌دهد که ادبیات چه چیزی را برای تاریخ می‌تواند به ارمغان آورد. نویسنده با قلم زیبایی‌دربی پاسخ به پرسش‌هایی چون «الحاق اتریش به آلمان چگونه می‌توانست اتفاق افتد؟ و یا چگونه یک رژیم دیکتاتوری مستقر شد؟» است که هنوز برای خوانندگان در مورد وقایع تاریخی مبهم باقی مانده است. او خواننده را با خود به عمق ماجرا و کسانی که در آنجا حضور داشتند می‌کشاند. او جزئیات دقیق این حوادث را که خواننده از آن‌ها بی‌اطلاع بوده شرح می‌دهد. او در پانزده بخش این کتاب توافقه‌های شرم‌آور، صحنه‌های باور نکردنی و گفتگوهای محرمانه را توصیف می‌کند که به خواننده اجازه می‌دهد که این حوادث را از بعد دیگری بنگرد. منتقدان ادبی اعتقاد داشتند که درون‌مایه سیاسی این کتاب شانس او را برای دریافت جایزه گنکور کاهش می‌دهد. نویسنده در مصاحبه‌ای با شبکه تی‌وی‌سک^۲ موند^۲ بیان می‌کند که روایت او از این واقعه تاریخی نتیجه تخیلات او نیست، او هیچ رویداد اضافی را از خود ابداع نکرده است. به نظر نویسنده دیدگاه ما از وقایع تاریخی از کنار هم قرار

1. L'actes sud

2. TV5monde

گرفتن مستندات و واقعیت‌های کوچک شکل می‌گیرد، گاهی یک عکس، یک کتاب و حتی یک گفتگوی دوستانه در شکل‌گیری این دیدگاه مؤثر است.

او از نفوذ قدرت‌های صنعتی و مالی در دنیای سیاست و دنیای ما که از این قدرت‌ها تشکیل شده سخن می‌گوید و به نظر او ادبیات می‌تواند آنچه را که پشت پرده تاریخ روی داده است را با توجه به اسناد و مدارک به تصویر بکشد.

«آنها بی‌ای‌اس‌اف، بایر، آگفا، اپل، زیمنس، الیانز، تلفن کن نامیده می‌شوند. با این اسامی ما آنها را می‌شناسیم و حتی شناخت بسیار خوبی از آنها داریم. آنها این‌جا هستند، نزد ما، بین ما. آنها اتومبیل‌های ما، ماشین لباس‌شویی‌های ما، مواد شوینده ما، رادیوی شماطه‌دار ما، بیمه منازل ما و باتری ساعت مچی ما هستند. آنها این‌جا هستند و همه جا به شکل اشیا حضور دارند. آنها از ما مراقبت می‌کنند، ما را می‌پوشانند، به ما نور می‌افشانند، ما را در جاده‌های دنیا حمل می‌کنند و ما را تسکین می‌دهند. این بیست و چهار مردی که در روز بیست فوریه در کاخ ریاست جمهوری ریشنگ حضور داشتند چیزی نبودند جز نماینده خود، نماینده صنعت عظیم؛ آنها کشیشان اعظم پتاح هستند. آنها با بی‌تفاوتی به مثابه بیست و چهار ماشین حساب در دروازه‌های جهنم هستند.»

از دیدگاه اریک وییارد چیزی که معمولاً تاریخ را وحشتناک می‌کند قرار گرفتن طنز در کنار وحشت است. طنز اول کتاب به نظر نویسنده این است که خواننده از داستان مطلع است. خواننده آخر داستان را می‌داند. او می‌داند که شخصیت‌های داستان ما را به چه فاجعه‌ای می‌کشانند. او بر این امید است که توانسته باشد در این کتاب پیوند طنز، ترس، وحشت و احساس نفرت را ایجاد کند.

او رمان را با یک جلسه محرمانه در سالن کاخ ریاست جمهوری آغاز می‌کند. جلسه بیست فوریه سال ۱۹۳۳ که هیتلر بیست و چهار نفر از قدرتمندان صنایع آلمان را ملاقات می‌کند. در این روز حزب نازی پایه خود را شکل می‌دهد؛ آنها با پول شرکت‌های ثروتمند آلمان به دنبال صعود خود هستند. نویسنده نقش این افراد را در قدرت‌بخشی به حزب نازی با جزئیات شرح می‌دهد و همچنین توافق این افراد با هیتلر را برای انتخابات پنجم می ۱۹۳۳ نشان می‌دهد.

«آقایان شما به سخنان صدراعظم هیتلر گوش فرا دادید. ما خواهان پیروزی در انتخابات پنجم مارس برای تثبیت اقتصاد آلمان، نابودی کمونیست و مخالفان و حذف سندیکاها به منظور احیای قدرت سرمایه‌دارها هستیم؛ بنابراین من از شما خواهش می‌کنم که هزینه آن را بپردازید. تقریباً با همین عبارات گورینگ، رئیس پارلمان مجلس بیست و چهار نفر اربابان صنعت و بانکداران دعوت شده را مورد خطاب قرار داد.»

۲. خلاصه کتاب

آن‌ها بیست و چهار تن بودند، کنار درختان مرده ساحل، بیست و چهار پالتومشکی، قهوه‌ای یا عسلی، بیست و چهار جفت اپل پر شده از پشم، بیست و چهار کت شلوار سه‌تکه (اسموکینگ) با همان تعداد شلوار پیلی‌دار با لبه پهن تو رفته. این اشباح وارد هشتی بزرگ کاخ ریاست جمهوری مجلس شدند، ولی به زودی مجلسی وجود نخواهد داشت، رئیس جمهوری نخواهد بود، و در چند سال آینده، پارلمانی هم نخواهد بود؛ فقط جز توده‌های آوارسوخته، چیزی باقی نخواهد ماند.

اریک وییارد به یک حادثه مهم دیگر در این کتاب، الحاق اتریش در سال ۱۹۳۸ به آلمان نازی می‌پردازد. او خواننده را در مصاحبه تعجب‌آمیز بین هیتلر و صدراعظم اتریش شوشینگ شرکت می‌دهد. او به روشی زیبا این صحنه را توصیف می‌کند، گویی خواننده در یک تئاتر مقابل رهبر اتریش و هیتلر در برگرف قرار دارد، جایی که هیتلر به سرعت بر مخاطب خود مسلط می‌شود و او دیگر یارای مقاومت ندارد و یک مبادله سیاسی به سرعت به یک فشار تبدیل می‌شود که صدراعظم اتریش نمی‌تواند در برابرش مقاومت کند، یا حتی نارضایتی خود را اظهار کند. او فقط پشت سر هم سیگار می‌کشد و بعدها در خاطرات خود می‌نویسد که هیتلر تأثیری جادویی روی مخاطبان داشت، که نویسنده دلیل بر ضعف او می‌داند.

همچنین نویسنده دیدار سفیر هیتلر، ریبن تراپ، را در خیابان داوونینگ^۲ لندن با چامبرلن و چرچیل طی یک ناهار رسمی روز ۱۲ مارس ۱۹۳۸ که روز ورود سپاهیان آلمان به اتریش است را با جزئیات شرح می‌دهد. این غذا همراه با یک خبر وحشتناک ورود سپاهیان آلمان به خاک اتریش بود.

او داستان جالب گیرکردن گسترده سپاهیان اشغالگر آلمان را در بدو ورودشان به اتریش نقل می‌کند. در این حادثه بخش قابل توجهی از ارتش بزرگ آلمان در جاده‌های مسدود شده گیر کرده بودند.

«باید ماشین‌های سنگین را کنار بزنیم، چند تانک و چند ماشین را کنار بکشیم تا راه برای عبور پیشوا باز شود. با این وجود او شب هنگام به لینز رسید.»

نویسنده سپس شرح غم‌انگیز استقبال باشکوه مردم اتریش را نقل می‌کند که در همان روز مقابل کاخ سلطنتی تدارک دیده شده بود.

«جمعیت اتریش، فریب‌خورده، خشونت‌دیده، ولی سرانجام رضایت داده برای ابراز احساسات و هورا کشیدن جمع شده بودند.»

در آن موقع آن‌ها از بالکن کاخ صدای غریب هیتلر را شنیدند که از ورود سپاهیان نازی به تمامی خاک اتریش خبر می‌داد؛ سپس دستگیری مخالفان، یهودی‌ها و غم و اندوهی که همه جا را فرا می‌گرفت.

نویسنده نشان می‌دهد که با وجود رأی مثبت ۹۹/۷۷ درصدی مردم اتریش به الحاق به رایش، بیش از هفده هزار خودکشی طی یک هفته در اتریش اتفاق افتاد.

«به منظور مشروعیت بخشیدن به الحاق اتریش رفرا ندیم برگزار کردند و آنچه از مخالفان باقی مانده بود را دستگیر کردند. کشیشان از منبر فراخوان به نفع نازی‌ها رأی دادند و کلیساهای مزین به پرچم‌های صلیب شکسته شدند. حتی رهبر سابق سوسیال دموکرات‌ها دعوت به رأی آری شدند. تقریباً هیچ صدای مخالفی باقی نمانده بود. مردم اتریش با ۹۹،۷۵ درصد به الحاق به رایش رأی مثبت دادند. هنگامی که بیست و چهار مرد نازنین ابتدای داستان، کشیشان صنعت بزرگ آلمان، همچنان

مشغول بررسی تکه‌تکه کردن کشور بودند، هیتلر در اتریش یک بازید به اصطلاح ظفرمندانہ انجام داد. این دیدار دوباره شگفت‌انگیز، همه جا با ابراز احساسات و هورا کشیدن‌ها همراه بود.»

در قسمت آخر، نویسنده دوباره به بیست و چهار مرد میلیاردر با یونیفرم سه تکه بازمی‌گردد که سال ۱۹۳۳ اروپا را در آتش و خون فرو بردند. آن‌هایی که با زندگی بسیاری از افراد بازی کردند. همه این قدرت‌های مالی در این جنایت شریک بودند، آن‌ها حزب نازی را از نظر مالی حمایت کردند و بعدها هیتلر برای تشکر از آنان کارگران مجانی^۱ را با عنوان کار اجباری هدیه داد.

اریک وییارد قلم زیبایی دارد و از مستندات و مدارک برای تشریح وقایع رمانش بهره برده است. او توانسته صحبت‌ها و اعمال آن‌ها را تحلیل کند. این کتاب برای کسانی که اهل تاریخ نیستند و یا در پی پر کردن ساعات فراغتشان هستند جالب نیست، ولی برای افرادی جذاب است که وقایع تاریخی و پشت پرده تصمیمات تاریخی را از بعد دیگری می‌خواهند کشف کنند.

منابع

- Vuillard, Eric (2017). *L'ordre du jour*: Paris: Actes sud.
- Adamthwaite, Anthony P. (1992). *The Making of the Second World War*. New York: Routledge.
- <http://www.tv5monde.com/programmes/fr/programme-tv-l-invite-eric-vuillard/30959/>
- <https://www.babelio.com/livres/Vuillard-Lordre-du-jour/949255>
- <https://diacritik.com/2017/11/06/eric-vuillard-prix-goncourt-2017-pour-lordre-du-jour/>